

شناسنامه فلیپ

دسته: مجله تکرمان

نام مجله: ویروس دهنوده

ژانر: ادبی، رئیم

تک رهای

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



فهرست اسامی تیم مجله

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



فهرست
 موضوعات

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

بخش
صحابه

بخش نقد و
داستان

پیشگفتار

بخش
سرگرمی

بخش هنر و
خلاقیت

بخش
آموزشی

سخن پایانی

بخش کمیک

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

سلام تکرمانی‌های عزیز، دوست داشتنی و گرانقدر انجمن تکرمان

امیدواریم که حال دل‌تون کوک و لبخند روی لباتون باشه

ما تیم مجله تکرمان تموم تلاش‌مون رو بکار گرفتیم تا دل‌تون رو شاد کنیم و اوقات خوشی رو برآتون رقم
بزنیم.

ویروس ده نودی اولین جلد از مجله تکرمان است که برای شما دوستان گرامی تهیه و منتشر شده تا در
کنار بالا رفتن اطلاعات‌تون سرگرم بشین و از این لحظات لذت ببرید.

دوست داشتیم به جای کرونا، از چیزای قشنگ بگیم و گپ بزنیم الهی که هر چه زودتر این ویروس شیطون
بلا ریشه کن بشه بره پی کارش ولی هدف ما این بود که یادآوری کنیم، حتی در شرایط بد و با وجود کرونا

هم میشه بهترین بود! =*)

تصاویر
شاخص اول

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



نویسنده

Walantin

سلام خانوم معلم جان! حال که انشایم را در برنامه‌ی شادِ ناشاد می‌خوانی، بدان دلم خیلی برایت تنگ شده است. خدا وکیلی، خیلی برای مان زحمت کشیدی.

خانوم معلم جان، ایام کرونا بسیار سخت می‌گزارد. در اوایل قرنطینه پدرم بیست بسته ماکارانی خریداری کرده و سپس به خانه بازگشت. نزدیک به یک ماه کرم‌های رنگ پریده‌ی پدر پز می‌خوردیم، آخر مادرمان حس آشپزی اش دیگر نمی‌آمد. آن یک ماه همانند جهنم بود. گاهی معده‌ی مان صداییمان می‌کرد و توهمندی زد که کرم است. خواهرم که ترم اول دانشگاه است و به امید حضرت یار قدم به آن سیستم شوهریاب گذاشته بود، به دلیل کرونا مجبور شد که در خانه بنشینند و روز به روز شباهت عجیبی به دختر

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



سوگلی ناصرالدین شاه پیدا کند. برادرم از شدت بی کاری گاهی به محاسبه گل های قالی می پردازد؛ آمار کرونا ییها را چک می کند و یواشکی با دوستانش بیرون می رود. مادر هم از یک طرف دلتنگ خانواده اش هست و از یک طرف خوشحال می باشد که عمه ام دیگر نمی تواند خانه‌ی ما بیاید و به قول خودش خانه‌ی مان را شخم بزند.

البته، کرونا خوبی‌هایی هم داشت. مثلًاً امسال، عید، از مهمان خبری نبود و آجیل و شکلات عید، مهمان شکم خودم شد. از طرف دیگر، نمرات‌مان در طول حضور کرونا جوری بود که حتی انیشتین هم از دیدنش کف می کرد؛ آخر، نمرات طول تحصیل‌مان روی هم بیست هم نمی شد. این برای‌مان یک رویا دست نیافتني بود که بیست بروی برگه‌ی مان بنشینند؛

اما کرونا آن را برای‌مان یک رویای دست یافتنی کرد. حال باید سفر در شمال را در خواب‌هایمان دید. این مورد خواب نیست، کابوسی است وحشتناک.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



یک ایرانی تنها دل خوشی تابستانه‌اش یک شمال بود که کرونا آن را هم از ما گرفت. بیین یک ویروس ۱۵ گرمی چه بر سر چندین میلیارد آدم آورد! تا چینی‌ها باشند که دیگر لُب به خفاش نزنند.

دیگر خانوم معلم جان، دستم درد گرفت انقدر برایت از کرونا گفتم. بعضی وقت‌ها فکر می‌کنم کرونا کنار

پنجره اتاقم ایستاده و می‌گوید:

- تو که آخر سر میای بیرون!

ولی من هم‌چنان باید مقاومت کنم و بیرون نروم. به امید اینکه سال دیگر کرونا برایمان یک خاطره شود.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]





دلنوشته

شب، به پایکوبی در می آید؛ انگار که به نفس می افتد از درد. نگاه، در نگاه گره می خورد و صدا،
مرتبه‌ای دیگر رسوخ می کند در گلو! مثل یک پژواک و شاید هم مانند چهره‌ای از یک تلاطم گذشته ...
دبنگ... دبنگ... به سخره کشید می شود، حال!
جريانی هرفت، خط می کشد بر گونه‌ی زخمی زندگی‌ها. شهر، بیمار می شود و در بستر مرگ فرو می رود.
نگاه مهتاب، منهوك می شود و روز، فزع زده چشم می بندد.
به "کمک" بگویید پریشان حالی، چشم انتظارش است ...



کرونا خوشگله، پیشنهاد ازدواج داد!

امروزه ما مردم عزیز ایران یا هر کشور دیگه، داریم با چیزی سروکله می‌زنیم که از یه بچه‌ی بدعنق هم بدتره! بچه‌ها خیلی گوگولی و نازن؛ اما گاهی اوقات بهانه‌گیر و لجباز میشن که راضی کردن‌شون کار حضرت خروسه! کرونا هم شبیه این بچه‌هاست. فقط تبدیل شده به یه بچه‌ی قاتل بدعنق! هدف‌ش رو هیچ‌کس نمی‌دونه جز... ما! آره ما. مaha می‌فهمیم؛ اما یکم گیج می‌زنیم و درست درکش نمی‌کنیم. هر کس یه قسمت از هدف کرونا رو می‌فهمه. کرونا، اسم قشنگیه؛ اما در عین حال ترسناک. کرونا، من رو یاد فامیل یه شخصیت سریال هندی می‌ندازه. برای این سریال، جونم رو هم می‌دادم. کووید_۱۹ هم من رو یاد خوراکی‌های خوش‌مزه و لذیذ می‌ندازه. کباب و کوبیده که آب‌دهنم رو راه می‌ندازه. پس در نتیجه،

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

وقتی اسم یه بیماری انقدر کیوته، مهم نیست که ترسناک باشه. مثل یه کیک که وقتی ظاهر خوشمزهش رو میبینیم یادمون میره تو ش مغز گردو داره (خب من از مغز گردو توی کیک بدم میاد. چی کار کنم؟!)
#اثرات_گیجی_کرونا). از همه‌ی این‌ها گذشته، من می‌خوام به پیشنهاد ازدواج کرونا فکر کنم. از رل زدن و این‌چیزها خوشم نمی‌اد؛ اما یه شب که رفتم لب دریا (بله! شهر ما دریا داره!) دوستم رو دیدم و تلاپی پریدم بغلش. شلپ‌شلپ بوسیدمش، در صورتی که هیچ‌جوره نمی‌خواستم خواهرزاده‌م رو که محتویات بینی‌ش روی صورت‌ش بود رو ببوسم. خلاصه بوسیدمش، غافل از این‌که خاک برسر، کرونا گرفته. من ناخواسته رل کرونا شدم. این‌قدر توی انجمن رمان نویسی تک رمان با دوست‌های خنده‌یدم که فرار کرد. با خودش می‌گفت که این دومین مریضیه که ممکنه من، کرونا، رو روانی کنه. اولین مریض، دوست عزیزم آشوب بود. اون‌قدر خندوندیمش که تعجب کرد این کووید_۱۹. خلاصه از این‌ها گذشته، وقتی دیدم کرونا خیانت‌کاره و هزارتا رل می‌زنم باهاش کات کردم یا اون با من کات کرد!

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

اما امروز ظهر، وقتی داشتم از توالت بر می‌گشتم، عینه‌و جن او مد رو به روم. بعد از احوال پرسی حال بهم زن،

رفت سر اصل مطلب و پیشنهاد ازدواج ش رو داد. حالا من دارم به این فکر می‌کنم که چی جواب ش رو بدم. با

این که یه قاتل زنجیریه و جون خیلی از انسان‌های سیاره‌م رو گرفته، سودهای زیادی هم داشته. کرونا با

این که تونسته خیلی‌ها رو از خانواده جدا کنه، سود داشته. باعث شده که به مرگ فکر کنیم.

به اشتباهات‌مون. این که ممکنه بریم جهنم یا بهشت. خودم وقتی رفتم تو حیاط گشت‌زنی شنیدم که همسایه

بغلى، کله سحر می‌گفت خواب نداشتم چون داشتم فکر می‌کردم اگه کرونا بگيرم، بميرم، ميرم جهنم یا

بهشت. حتی گفت که نماز خوندن رو هم شروع کرده. کرونا داره بهمون می‌گه که اگه ما انسان‌ها بميريم و

همه‌مون از بين بریم، هیچ اتفاقی برای جهان نمی‌افته. می‌گه که خدا بدون نیاز به ما توى جهانش می‌مونه.

می‌گه که فراموش نکنیم ما کلی نیاز داریم و خدا می‌تونه بر طرفش کنه در صورتی که خدا هیچ نیازی به ما

ندارد. می‌گه این قدر فخر فروشی نکنیم و با هم برابر باشیم.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

کرونا همون ترازوی عدالتیه که داره همه‌ی انسان‌ها رو باهم برابر می‌کنه.

با این همه سود، من تصمیم‌م رو گرفتم. من، با کرونا ازدواج نمی‌کنم. کووید_۱۹، لیاقت‌ش بیش‌تر از منه و بهتره با یه ویروس ازدواج کنه تا یه آدم. آدمی که از جنس بقیه آدماییه که به‌خاطر سود خودشون ماسک رو گرون‌تر می‌فروشن و گاهی اوقات روی در و دیوارها تف می‌کنن تا گریبان‌گیر باقی مردم بشه این ویروس. از جنس آدمایی که به‌خاطر برتر بودن، هم دیگه رو می‌کشن. درسته که ما آدما از جنس خاکی‌م ولی یادمون رفته! کرونا لیاقت‌ش بیش‌تر از منه. خب کرونا خوشگله! می‌دونم داری این متن رو می‌خونی. عشم! لیاقت منِ خاکی، از توِ کشنده و عشقی، بیش‌تره! من عاشقتم؛ اما تو لیاقت منو نداری عزیز‌دلم. خدا حافظ نازنینم. نفسم. آه که دوری از عشق چه بده. وای! آخ مادر....

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



تک رمان

بخش مصاحبه

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

مصاحبه با نویسنده رمان؛ خانم آیدا نایبی (ماهک)

توسط مجله نویس Asa_KM

Asa_KM عزیز گفت:

خب خواننده های عزیز. امیدوارم که حالتون خوش، تنتون سلامت و کیفتون کوک باشه! در اولین بخش از مصاحبه‌ی اولین مجله‌ی تک رمان قراره بریم سراغ یکی از نویسنده‌های عزیزمون. حال و هوای این مصاحبه یکم کروناییه

پس ماسکاتونو بکشین رو دماغاتون که بریم سراغ آیدای عزیز
یکی از جوان ترین نویسنده‌های خوبمون
امیدوارم از مصاحبه لذت ببرین

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



سلام آیدا(:

سهملام ^_^

1- از اینکه قراره سوژه‌ی اولین مصاحبه‌ی اولین مجله‌ی تک رمان باشی چه حسی داری؟

حس خفن و لاکچری بودن دارم

2- شنیدم می‌خوای تو ماه آینده تخدیر رو تموم کنی بیشتر برآمون توضیح بدنه؟

خب، من قول داده بودم تخدیر و ماه دیگه تموم کنم؛ چون خیلی نوشتنش طول کشیده. رمان حس حرص رو می‌خوام شروع کنم اما چون نگارش تخدیر یه کوچولو مشکله برام، نمی‌تونم همزمان بنویسم. وقتی تخدیر و می‌نوشتمنش فکر نمی‌کردم انقدر مخاطب داشته باشه اما خداروش‌اکرم که باب دل همه بود. امیدوارم بقیشونم

همینجور باشه(:

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

3- از کرونا چی یاد گرفتی؟

از کرونا یاد گرفتم نزدیکی خوب نیست_-کرونا می گیریم. بعدم الکل خیلی م خوبه.

4- قرنطینه چقدر به کاغذ و قلمت نزدیک تر کرد؟

خب من قبل قرنطینه روزی 2 ساعت می نوشتتم؛ ولی از وقتی خونه نشین شدم. 23 ساعت شبانه روز در حال نوشتنم.

5- کیبوردت رو چند بار در روز ضد عفونی می کنی؟.

روزی 5 بار.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

6- بهترین کتابی که خواننده‌ها در دوره‌ی قرنطینه می‌توانن بخونن رو بهمون معرفی کن (به جز رمان خودت

البته)

اول تخدیر.

دوم تیه طلا

سوم امیدرهایی ^_^

چهارم هرمانی که شخصیت اصلیش آیدا باشه

7- نظرت درمورد فاصله‌ی اجتماعی؟/:

فاصله‌ها باید رعایت بشه نمی‌دونم چرا مردم ما نترس شدن:/ بخدا کرونا دوریین مخفی نیست

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

8- بعد از کرونا دیدگاهت نسبت به زندگی چه تغییری کرد؟

این که به هیچ کس نزدیک نشم/:

9- یه توصیه‌ی بهداشتی؟

قول بدید که حرفای آیدا یادتون بمونه

همیشه قبل رفتن دوتا ماسک بزن و راحت برو

همیشه یادتون باشه اول الکل بعد کتاب

10- دلت برای چه کاری تنگ شده که قبل از کرونا می‌توستی راحت انجامش بدی یا معمولاً انجامش

می‌دادی؟

کلاس رفتنام/:

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

مهمونی رفتنام/:

خرید رفتنام/:

کتابخونه رفتنام/:

و از همه مهم‌تر مسافرت شمalam/:

11- فکر کن قراره تا تموم شدن کرونا توی یه اتاق در بسته زندانی باشی و فقط اجازه داری سه قلم جنس با خودت تو اتاق داشته باشی (نترس غذا میدیم بہت) چی بر می‌داری؟

گوشی

وای فای

لپتاپ

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

الكلم بدید خوبه

13- یه مقدار از رمان یا رمانهای بعدیت برامون بگو؟

رمان های بعدیم خیلی آموزنده هستن در حین عامه پسند بودن. امیدوارم مثل تخدیر بهدل همه بشینه. مثل

همیشه تم جنایی داره یکیشون. طولانی تر از تخدیرخواهند بود. منم خیلی دوستشون دارم(:

14- حرف آخر؟

حرف آخری ندارم. امیدوارم هرجا که هستین شاد و سلامت باشید و قلمهاتون مانا باشه

تک رمان هم موفق تر شه

"ماهک(آیدا نایبی)"

من از طرف خودم و همه‌ی شما از آیدا تشکر میکنم بابت این مصاحبه‌ی قشنگ و جالبی که برای آماده کردنش بهم کمک کرد؛ ولی وایسین دست به ماسکاتون نزنین که یه مصاحبه‌ی

دیگه هم توراهه ^.^



مجله انجمن تک رهان

[سربی اول - تیر ماه سال ۹۹ - ویروس دهه نودی]



مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



TAAKROMAN.IR



[سالی اول - تیر ماه سال ۹۹ - ویروس دهه نوی

نویسنده

Asal_KM

کرونا تسليم شو!

دزدان دریایی وارد می‌شوند!



مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

حالا که قریب به چهار ماه از شیوع کرونا در کشور می‌گذرد به نظر می‌رسد این ویروس تازه وارد خیلی چیزها

رو در زندگی عادی و روزمره‌مون تغییر داده!

باید بگم که به طور مثال خوش‌بختانه تونسته امتحانات حضوری دانشگاه‌ها را مجازی کنید که خوب جای شکر داره.

یا باعث شده دیگه مجبور نباشیم تو رودربایستی گونه‌های هامون رو برای ماجه‌های آبدار و ویتامینه شده‌ی خاله‌ی شوهر خاله‌مون که از قضا سن و سالی هم ازش گذشته، قربانی کنیم که خوب این هم به نوبه خودش یک نوع فرهنگ سازی محسوب می‌شده!

اما بالاخره آدم از این که می‌بینه یک سری چیزها رو حتی کرونا هم نتونسته تغییر بدی، انگشت به دهن می‌مونه!

مثلا من اون اوایل فکر می‌کردم که زدن ماسک ممکنه خیلی از خانم‌ها رو از دغدغه آرایش کردن خلاص کنید!

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

با خودم گفتم این ویروس ده نودی احتمالاً یک مدت صنعت میکاپ رو که با سرعت نور در حال جهش به

مدال‌های پیشرفت‌ه در سطح جهانیه، فلچ یا حداقل کند می‌کنه؛ اما ذهنی خیال باطل!

هنوز مدتی از در هم شکستن مقاومت شاخ‌های اینستاگرام در برابر ماسک نگذشته بود که دیدم ای داد بی‌داد!

ماسک‌های گُل‌گلی و طرح‌های اسکلت و... تازه اوامده روی کار!

خلاصه که فهمیدم رکود بازار لوازم آرایشی در نهایت تبدیل به بُعدی جدید در صنعت مُد شده و نمی‌دونم این

روحیه مردم که همیشه سعی می‌کنند در هر شرایطی بالاخره یک جوری تیپ و قیافه خودشون رو تو چشم این

و اون فرو کنن، قابل تقدیر یا سوژه سرزنش؟! از یک طرفی هم می‌گم خب چه اشکالی داره که آدم این همه

روحیه داشته باشه؟ ولی از طرف دیگه که فکر می‌کنم به این نتیجه می‌رسم که ای بابا! آخه چه لزومی داره؟

تو این وضعیت قمر در عقرب باشی و به فکر پوشیدن شلوار اسلیش با تیشرت گشاد و کلاه کپ و استایل

ماسک‌های اسکلتی بزنی بیرون و تو خیابانون‌ها رژه بری؟

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

يا مثلا چي ميشه که بعضی‌ها توهم جشن بالماسکه می‌زنن و دزد دریایی می‌شن و میرن پارک بالاشهریا که به خودشون ثابت کنن تو هر شرایطی دست از حماقت‌هاشون برنمی‌دارن!

اما بگذریم... شما حتما ماسک بزنین، مهم نیست چه شکلی باشه! طرح‌دار یا از این ماسک‌های هزاری که هر جا یه قیمتی داره ولی تو اخبار می‌گن "در اماكن عمومي رايگان عرضه می‌شود"!

کلا هر جور ماسکی که دم دست‌تون بود رو استفاده کنین البته نکات بهداشتی هیچ وقت نشه فراموش، لامپ اضافی... (اهم، اهم، معلوم نیست چی دارم می‌گم، هر چی هست از اثرات قرنطینه‌ست شما زیاد جدی نگیرین!)

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



دور پارک رو هم تا اطلاع ثانوی یک خط بزرگ و قرمز بکشین

(حالا فرقی نداره بالای شهر باشه یا پایین شهر).

مراقب خودتون باشین تا این ویروس هم سر عقل بیاد و بار و بندیلش رو از بساط زندگی ما جمع کنه، بذاره
بره و از این به بعد بفهمه که هر جایی که دعوتش می‌کنن نباید بره.

ما روزهایی سخت‌تر از این‌ها رو هم داشتیم و خواهیم داشت

پس هیچ وقت قرار نیست قدرت‌مون رو از دست بدیم و تسليم بشیم

یادتون نزه قوی بودن از هر چیزی قشنگ‌تر و مهم‌تره!

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

کرونا تو خوابشم نمی‌تونه منو بگیره!



بخش مصاحبه

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



مصاحبه مدرس نویسنده آقای پارسا تاجیک

توسط مجله نویس Asa_KM

عزیز گفت: Asal_KM

سلام آقای تاجیک خیلی خوش وقتم که شما رو در مصاحبه اولین مجله‌ی تک رمان به عنوان مدرس نویسنده داریم.

سلام و وقت بخیر خدمت شما و همه‌ی دوستان عزیز تک رمانی.

1- میخوام مصاحبه رو با یک جمله‌ی امید بخش از طرف خود شما به مردمی که تو خونه خودشون رو زندانی کردن یا با کرونا دست و پنجه نرم میکنن شروع کنم. دوست دارید بهشون چی بگین؟

فکر می‌کنم بهترین و امید بخش ترین جمله‌ای که در حال حاضر به ذهنم می‌رسه آیاتی از قرآن هست که می‌فرماید: ان مع العسر یسری(بعد از هر سختی آسانی است)." دائمً یکسان نباشد حال دوران غم مخور"

2- چاربز دیکنر کدام اثر خود را در دوران قرنطینه‌ی وبا نوشه بود؟

زیاد طرفدار چارلز دیکنر نیستم و جز رمان دیوید کاپرتفل و اولیور توییست کتاب دیگه‌ای از این نویسنده نخوندم و نمی‌دونم کدام کتابش رو در دوران وبا نوشته. ولی گابریل گارسیا مارکز رمانی داره به نام "عشق سالهای وبا" که توصیه می‌کنم دوستان توی این دوران، حتماً این رمان جذاب رو مطالعه کنن.

3- فکر می‌کنید شخصاً سبب‌های کمال رو در دوران قرنطینه‌ی کرونا بتوانید تموم کنید یا نه؟

مجله انجمن تک رمان

[سری اول - تیر ماه سال ۹۹ - ویروس ده نودی]

من که توی خونه قرنطینه نیستم و بخاطر کارم مجبورم ساعات زیادی از منزل بیرون باشم. ولی سعی می‌کنم تا آخر تابستان پرونده‌ی سبب‌های کال رو بیندم و به رمان بعدیم پردازم.

4- رایج‌ترین ویروس خطرناک (اشتباه مهلک) بین نویسنده‌های تازه کار رو به عنوان مدرس نویسنده‌گی بهمون بگید؟

سوال خوبی بود. متاسفانه نویسنده‌گان تازه کار بعد از خوندن یک سری از رمان‌های زرد تلگرامی که جز بازی با احساسات و پایین آوردن سطح فرهنگ و شعور مخاطبین رسالت دیگه ای ندارن؛ جرقه هایی در ذهنشون شکل می‌گیره و دست به قلم می‌شن. در صورتی که نویسنده‌گی نیاز به کسب مهارت و آموزش داره. چطور برای آموزش نقاشی و خط و ... به مدرس و معلم اون حرفه رجوع می‌کنید، برای نویسنده‌گی هم باید آموزش بینند. نکته‌ی مهم‌تر این‌که کمی هم استعداد و علاقه لازم هست.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول - تیر ماه سال ۹۹ - ویروس ده نودی]

بعد از کسب مهارت و آموزش کم کم هنرجو کارش رو با نوشتن داستان های کوتاه شروع می کنه تا با ایده پردازی، پی رنگ نویسی، جمله نویسی، شخصیت پردازی، فضا سازی و ارکان دیگری از نویسنده ای آشنایی کند. کسانی که به نویسنده ای علاقه مند هستند باید خیلی زیاد کتاب بخونند، فیلم های سطح بالا نگاه کنند، خیلی خیلی زیاد بنویسن تا بتونند به هدفشوون ان شاء الله برسن.

5- درباره چالش نویسنده ای اخیری که با موضوع "زن میانسالی که روحی رو کشف میکنه" تو کارگاه آموزش نظارت و نویسنده ای برگزار کردین برآمدون توضیح بدین منبع الهام‌بخش برای موضوع و ایده

چی بود؟

ایده ای که پیشنهاد شد در چند ژانر مختلف قابل طراحی بود، قدرت تخیل نویسنده و سطح درکش از دنیای اطرافش رو مشخص می کرد و همین طور پارامتر فضا سازی که بخش مهمی از دیدگاه حسی

بصری نویسنده هست رو نمایش می‌داد. در این بین تیپ سازی زن میانسال و کشف یک روح، دیدگاه فانتزی نویسنده رو برای ما روشن می‌کرد. در واقع با پیشنهاد این ایده به اعضای گروه، به هدفم که محک زدن سطح آگاهی نویسنده هست می‌رسم و می‌تونم بگم به اصطلاح با یک تیر چند نشون زدم.

6- خوندن چه کتاب و دیدن چه فیلمی رو تو روز های قرنطینه به خواننده های ما پیشنهاد میکنید؟

فیلم خیلی خوبی که همین اواخر دیدم یه کمدی درام بسیار جذاب و هیجان انگیز بود به نام "کثیف" که درباره‌ی یه گروه متال ساخته شده بود. توصیه می‌کنم دوستانی که به این ژانر علاقه دارن حتماً ببینن. کتاب هم فکر می‌کنم عشق سال‌های وبا واقعاً به درد این روزها می‌خوره و مطالعه اش خالی از لطف نیست.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

7- به نظرتون کرونا از ما بترسه یا ما از کرونا؟

بشر در هیچ برهه‌ای از زمان در مقابل بیماری‌های مسربی ضعف نشون نداد و امیدوار جلو رفت. شاید کوتاهی‌ها و سهل انگاری‌هایی در این بین وجود داشته باشد، که قطعاً مسببش بی‌خردی افرادی هست که در هر جامعه‌ای وجود دارند؛ ولی در کل رشته‌ی امید، نقطه‌ی اتصال انسان به معبد لایزال هست و اوست که سرنوشت بشر را هر طوری که بخواهد رقم خواهد زد و ما هم جز فرود آوردن سر تعظیم و اطاعت چاره‌ی دیگری نداریم. پس به ناچار در عین امیدواری به آینده‌ای روشن، باید در حفظ سلامت خودمون و اطرافیانمون تلاش کنیم.

8- "شما" کیبوردتون رو چند بار در روز ضدغافونی می‌کنید؟

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

والله روی کیبوردم سلفون کشیدم و روزی یکبار تعویضش می کنم ولی گوشی همراهم رو روزی بیش از ده بار ضد عفونی می کنم، امیدوارم نسوزه فقط.

9- به نظرتون یک نویسنده بهتره که تنها یی بشینه تو اتفاقش فکر کنه یا اینکه بره بیرون و بیشتر دنبال

مشاهده باشه؟

(رعایت قرنطینه چقدر به نویسنده پروری قراره کمک کنه به نظرتون؟)

از نظر من بیرون رفتن یا توی خونه موندن زیاد فرقی به حال نویسنده نداره. بیرون بره مطمئنًا به همه چیز نگاه می کنه جز مشاهده احوالات سوژه های مورد نظرش. اگر هم قراره توی خونه بمونه و هیچ کاری انجام نده نه تنها نویسنده پروری صورت نمی گیره بلکه موجود دیگری به نام تن پرور پا به عرصه ای وجود می ذاره .

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

باید این روزها رو تبدیل به فرصت کرد، کتاب های نخونده، فیلم های ندیده، متن های ننوشته رو توی همین دوران می شه به نحو احسن بهشون پرداخت. فیلم دیدن و کتاب خوندن به پرورش خلاقیت نویسنده کمک شایانی می کنه. البته که فیلم های خوب و کتاب های پر محتوا.

10- چی بدتر از کروناست؟

نامیدی از رحمت خداوند و همین طور استرس بی حد و اندازه.

11- دلتون برای چه کاری تنگ شده که قبل از کرونا می توانستید راحت انجامش بدین؟
دیدار با خانواده و دوستان.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

12- حرف آخر؟

حرف آخر این که، امیدوارم جهان هر چه زودتر از شر این ویروس منحوس رهایی پیدا کنه و سلامتی و شادمانی باز هم به دنیا برگردد.

ممnon از اینکه وقتتون رو در اختیار ما و مجله گذاشتین.



برقرار باشید، برای شما و تیم مجله آرزوی سلامتی و موفقیت دارم

یاعلی

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نوی]



[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



علاقه و مهارت را کشف کن!

کروناست و کروناست و کرونا... کرونا و چی دوست عزیز؟!

قرنطینه‌ای و حوصله‌ت سر رفته؟ از خوردن و خوابیدن‌های تکراریت خسته شدی؟

به قول معروفی خزش رو درآوردی بس که آهنگ‌های گوشیت رو بالا پایین کردی؟

دیوونه شدی از بس که چالش‌های رنگارنگ اینستاگرام رو دیدی و می‌دونی که حتی

یک دونه‌ش هم تو ایران قابل اجرا نیست؟

هر چی فیلم و سریال سراغ داشتی ته کشیده و از تخمه شکوندن دهه‌ان مبارکت بخیه نیاز شده؟

نت پرسعت و ایده‌آل‌ت رو به اتمامه و ته جیب‌ت چندرقازم پول یافت نمیشه؟

نویسنده و

مدرس:

طلا=*(طی‌فا)

مجله انجمن تک رمان

[سری اول - تیر ماه سال ۹۹ - ویروس ده نودی]

خب پس پاشو بیا تکرمان مجله بخون و یکم بخند، یکم متفکر شو و دو تا چیز درست حسابی یاد بگیر که وقتی هر مشکلی برات پیش اوهد و خصوصاً معده درد ناشی از پرخوری فراوان گرفتی، والدین گرامی با لبخند مليح آغشته به اخم همراه با رایحه غلیظ آرامش قبل از طوفان بہت نگن: از بس که سرت توی اون گوشی لامصبه و بی خودی تو مجازی ول می چرخی!



مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

قلم

- می خوای نویسنده بشی، یه نویسنده حرفه‌ای و محبوب؟
- می خوای طراح بشی، یه طراح موفق و مشهور؟
- می خوای ویراستار بشی، یه ویراستار متخصص و ریزبین؟

هنر

- می خوای منتقد بشی، یه منتقد خفن و کاربد؟
- می خوای مدرس نویسنده / زبان بشی، یه مدرس نمونه و همه فن حریف؟
- می خوای مترجم بشی، یه مترجم ویژه و کمیاب؟

خلاقیت

- می خوای دلنویس بشی، یه دلنویس خاص و جذاب؟
- می خوای گوینده بشی، یه گوینده محبوب، مشهور و تو دلبرو؟
- می خوای شاعر بشی، یه شاعر خوش قلم و بی نظیر؟

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

طراحی یکی از جذاب‌ترین کارهای است و کمتر کسی دیده شده که به حرفه طراحی علاقه نشان نداده باشد، حتی اگر استعداد و توانایی لازم برای طراحی نداشته، باز هم برای او دوست داشتنی و قابل احترام خواهد بود.

در انجمن تک رمان؛ برای تمامی رمان‌ها، داستان‌ها، دلنوشته/شعرها و کتاب‌های آموزشی جلد طراحی می‌شود. اما شاید برای شما سؤال پیش باشد که جلد دقیقا

چه نقشی دارد؟

جلد یک اثر؛ دنیای تخیلی نویسنده را به تصویر می‌کشد و به عنوان معرف و شناسنامه آن در وهله اول توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند.

شما تنها در صورتی به سمت یک اثر جذب می‌شوید که از آن یک پیش زمینه ذهنی مطلوب داشته باشد. این پیش زمینه مطلوب در درجه اول توسط جلد صورت می‌گیرد.

اما اگر این اثر فاقد جلد باشد چطور؟ فرض کنیم یک دوست صمیمی دارید که در زمینه خواندن رمان و داستان بسیار با شما هماهنگ و هم عقیده است و با کلی شور و هیجان به معرفی اثری می‌پردازد که به تازگی خوانده و می‌داند که شما هم حتماً به خواندن آن علاقه نشان خواهید داد. اما برای این کار نیاز است تا با ارائه تعاریف کامل و دسته بندی شده‌ای شما را به آن پیش زمینه ذهنی مورد نظرتان برساند و در واقع از این طریق برای خواندن آن رمان قانع تان کند.

در اصل این کار وظیفه جلد است که با به تصویر کشیدن مفهوم داستان و رونمایی از اطلاعات مهم و اولیه اثر (نام، نویسنده، طراح، ناشر، خلاصه) آن را در چشم

مخاطب به رخ می‌کشد.

اما جلد چگونه و از کجا؟

جلد در قالب یک تصویر با ابعاد مشخصی تعریف می‌شود و خلق آن به عهده طراح جلد است...

نقد، نقدینگی، نقدانه، انتقاد و منتقد و ناقد.

قطعاً زمانی که در یک محیط فرهنگی حرف از نقد به میان می‌آید، منظور پول نیست!

اما آیا رابطه‌ای بین نقد و انتقاد وجود دارد؟ تفاوت‌شون چیه و چرا برخی این دو رو با یکدیگر اشتباه می‌گیرند؟

اجازه بدید قدم اول رو با معرفی نقد شروع کنیم. اصلاً نقد چیه و چه فایده‌ای داره؟

نقد براساس معیارهای عقلی و جمعی صورت می‌گیرد و درصد خطای آن بسیار کم است.

در نقد به طور یکسان و همزمان به نقاط قوت و ضعف اثر اشاره می‌شود. نقد توسط شخص خاصی نیست و گروهی شکل می‌گیرد و هدف این

گروه حل مشکل است.

چند نوع نقد داریم؟

3 نوع نقد داریم: نقد منفي، نقد سازنده و نقد مخرب.

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

نقد منفی: نقدی است که درونی مثبت و بیرونی ناخوشایند دارد. درست است که گفتیم نقد غایب به هر دو نقاط قوت و ضعف به‌طور یکسان و همزمان اشاره کند، اما به این منظور نیست که نقد منفی نادرست است! همان‌طور که از نامش هم پیداست، قرار نیست به نقاط قوت شما اشاره‌ای داشته باشد، بلکه یکراست سراغ نقاط ضعف‌تان می‌رود. این نوع نقد معایب و مزایایی دارد که دانستن ش خالی از لطف نیست. از معایب آن می‌توان گفت که نقد منفی را در اکثر موارد نوعی حمله‌ی شخصی تلقی می‌کنند و آن را غیرقابل قبول می‌شمارند، در صورتی که اصل نقد منفی حمله‌ی شخصی نیست. مورد دیگر این‌که به فردی که مورد نقد منفی قرار گرفته، احساس ضعف و ناتوانی را می‌دهد. علت ش چیزی نیست جز این‌که در نقد منفی به صورت مستقیم و بدون واسطه به معایب اشاره می‌شود و به جای این‌که گفته شود: اگر فلان کار را انجام بدی بخوبی است چرا که این کار به فلان دلیل غلط است. گفته می‌شود: این کار تو خیلی غلط است و تو نباید انجامش دهی و باید

آن کار را انجام دهی!

در این موقع واقع واکنش فرد مقابله این گونه است که نقد را جدی نمی‌گیرد و می‌گوید: که چی؟ و یا می‌گوید: پس من نمی‌توانم کاری کنم ...

اما برایم سراغ مزایای نقد منفی ...

نوبت به بحث شیرین ویرایش رسید! با خوندن این مطلب متوجه این موضوع می‌شید که شما چقدر از ویرایش می‌دونید؟

فرآیندی داریم که طی آن محصولاتی از قبیل نوشتاری، دیداری، تصویری، شنیداری و رسانه‌ای با هدف انتقال اطلاعات انتخاب و آماده

سازی می‌شوند که به آن ویرایش گفته می‌شود. در ویرایش تصحیح و تلخیص (یعنی خلاصه کردن) به جهت خلق اثری منسجم،

یک دست، درست و دقیق صورت می‌گیرد. به شخصی که کار ویرایش انجام می‌دهد، ویراستار، ویرایشگر می‌گویند.

چند نوع ویرایش داریم؟ دو نوع: ویرایش عمومی و ویرایش ویژه.

به طور کلی ویرایش به زیاد یا کم کردن مطلب، تصحیح و تنقیح متن‌هایی که جهت چاپ و نشر آماده می‌شوند می‌گویند.

و اما ادیتوری یعنی چه؟

اداچه این مطالب آموزشی را در مجله بعدی تک رمان دنبال کنید.

گوینده شو

خب یک دو سه! صدا میاد؟ یک دو سه! [میکروفون را امتحان میکند]

سلامی به گرمی آفتاب داغ تابستان که این ورایی که این طرفا تکلیف‌ش امسال خیلی هم با خودش مشخص نیست و بعضی وقتا هم میره زیر ابر با بخش آموزشی این سری از مجله‌ی تک‌رمان همراه‌تون هستم. عرضم به خدمت‌تون که تو گویندگی همه چی مهمه! همه چی - - حتی اینکه بلندگوی گوشی رو دقیقا موقع ضبط کجا قرار بدین: /

اما یک اصل خیلی مهم تر وجود داره و اون صدای نفس هاتونه که به هیچ عنوان نباید توی ضبط بیفته. خود من به شخصه سر همین بند جونم رو تا مرز فدا شدن بردم حتی. باید خیلی با احتیاط نفس بکشید به هیچ عنوان با دهن نفس نکشید و فقط مواقعي که مجبورید نفس بگیرید. اگه می‌خوايد مثل گوینده‌های حرفه‌ای تر به‌طور ناگهانی و غافل‌گیر کننده، تن صداتونو عوض کنید ترجیحا یه دستمال کاغذی یا یه تیکه پارچه‌ی نازک روی بلند گوی گوشی قرار بدید تا توی ویستون هوا نیافته خودم (این کلک رو خودم تازه یادش گرفتم: /)

و در آخر حوصله حوصله! بعضی از شما خیلی عجله دارید واقعاً نمیفهمم کجا گازشو گرفتین دارین میرین: / بارها و بارها گفتم که فرق گویندگی و روخوانی فقط در حس گفتن کلماته. شما باید بین کلمات تبعیض یا شاید بهتره بگم تفکیک قائل بشید! آیا همونطوری به پیتنا نگاه میکنید که به یه کاسه سیرابی نگاه میکنید؟ خب مطمئناً حتی اگه سیرابی رو همونقدر دوست داشته باشید بازم وقتی دارید این کلمات رو میخونید رنگ نگاهتون عوض شده. به همین دلیل باید کلمات رو با لحن متفاوتی ادا کنید مثلاً وقتی میگید "سرده" شنونده باید حس کنه که وسط آلاسکا هستید. یا وقتی میگید "گرمه" باید این احساس به شنونده منتقل بشه که اونجایی که شما نشستید حداقل دما سی و هشت درجه بالای صفره. تا یادم نرفته بگم مواظب خودتون باشین کرونا نگیرین حیف اون صدای نازنینتون نیست؟ - _ یه ماسک بزنید خب: / یکی از گوینده هامون سر همین قضیه مرخصیه که امیدوارم خودش و صدای زودتر خوب شن آشوب جان همهی خواننده ها برات دعا میکن! و در نهایت ... ای داد: / چرا برقا رفت؟ / یک دو سه! یعپی چی برق رفت - _ - حالا باید از اول بگم یعنی؟ - _

آقا این استودیوتون برق اضطراری نداره این همه حرف زدم همش پرید؟ - _

بله میخواستم بگم که ممکنه بارها و بارها مجبور شید به دلایل مختلف ضبط رو از اول شروع کنید خدا صبرتون بده /
یعنی یه ژنراتور نباید بخرین برای این استودیو با این تجهیزات باید ضبط کنیم آخه؟ - _ (صدای غریر هایم محو میشود)

تا حالا به واژه‌ی آشنای خلاقیت فکر کردین؟ این که اصلاً خلاقیت از کجا می‌اد؟ چطوری و با چی می‌اد؟ و در نهایت به کی می‌شه گفت

خلاق؟

(خلاقیت برگرفته از افکار و شیوه‌های نوین است که منجر به خلق اثر و یا رویداد جدید و ثمر بخشی می‌شود.)

یه سوال! آیا همه می‌تونن خلاقیت داشته باشن؟ بله چرا کنه!

و اون وقت همه خلاق هستن؟ در این مورد مطمئن نیستم!

این بار سوال پیش می‌اد که چرا؟!

خب همه می‌تونن خلاقیت داشته باشن؛ ولی باید به این موضوع توجه داشت که هر کسی نمی‌تونه به سطح مطلوبی از خلاقیت برسه!

خیلی از ما آدم‌ها ادامه‌ی راه خلاقیت دیگران رو پیش می‌گیریم و ممکنه با خلاقیت خودمون ادغام‌شون کنیم و به اتفاقات جدیدی

برسیم.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]



اما یک چیزی خیلی واضح و روشن!

اونم این که هیچ وقت نمیشه به کسی که از خلاقیت دیگری سوءاستفاده غیراخلاقی می کنه و یا امتیازات اون رو به اسم خودش ثبت می کنه، خلاق گفت و یا اون شخص رو دارای استعداد خلاقیت دونست!

بی شک هر هنر، استعداد و توانایی در وجود انسان یک نعمت الهی است و این نهایت بی معرفتی ما رو می رسانه اگر که نسبت بهش بی اعتمنا و بی رحم باشیم =*).

انجمن تکرمان همواره در تلاش بوده تا در هر فعالیتی خلاقیتش رو به بهترین نحو بکار بگیره و کاربران خلاق تکرمانی رو با خودش همراه کنه و نتایجی که از فعالیت‌ها به دست او مده به درستی این موضوع رو اثبات می کنه

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

نویسنده: طلا=*)

در یکی از تالارهای بخش فرهنگی انجمن تک رمان یعنی تالار هنر؛ با خلاقیت و ایده جدید دو کاربر تک رمانی به نام‌های طلا (طلایه) و چکا (چکاوک) امکانی فراهم شد تا کاربران هنرمند تک رمان در مقام نقاش و خطاط انجمن ذوق و استعداد هنری‌شون رو با دوستانشون به اشتراک بگذارن و واقعاً یکی از خوب‌ترین حس‌های لذت‌بخش خلق و تماشای عشق بازی عناصر هنری. از این جهت در تالار هنر ساب تالاری به نام نمایشگاه تک رمان برای کشف و پرورش استعدادهای هنری ایجاد شد و ما از فاطمه تاجیکی موسس و مدیریت کل سایت و انجمن تک رمان، بابت موافقت و بها دادن به پرورش خلاقیت و هنر ممنون و سپاس‌گزاریم.

حالا با این همه تعاریف حتماً کنچکاو شدین تا سری به تالار هنر بزنین:

در این بخش از مجله تک رمان دو نمونه از آثار هنرمندان مون با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط مجله‌نویس خوب‌مون یاسمون Walantin انتخاب شده که تقدیم چشم‌های زیباتون میشه.

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



اثر زیبای نقاش انجمن

تک رهان

Nini Lin خانم

تک رهان

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



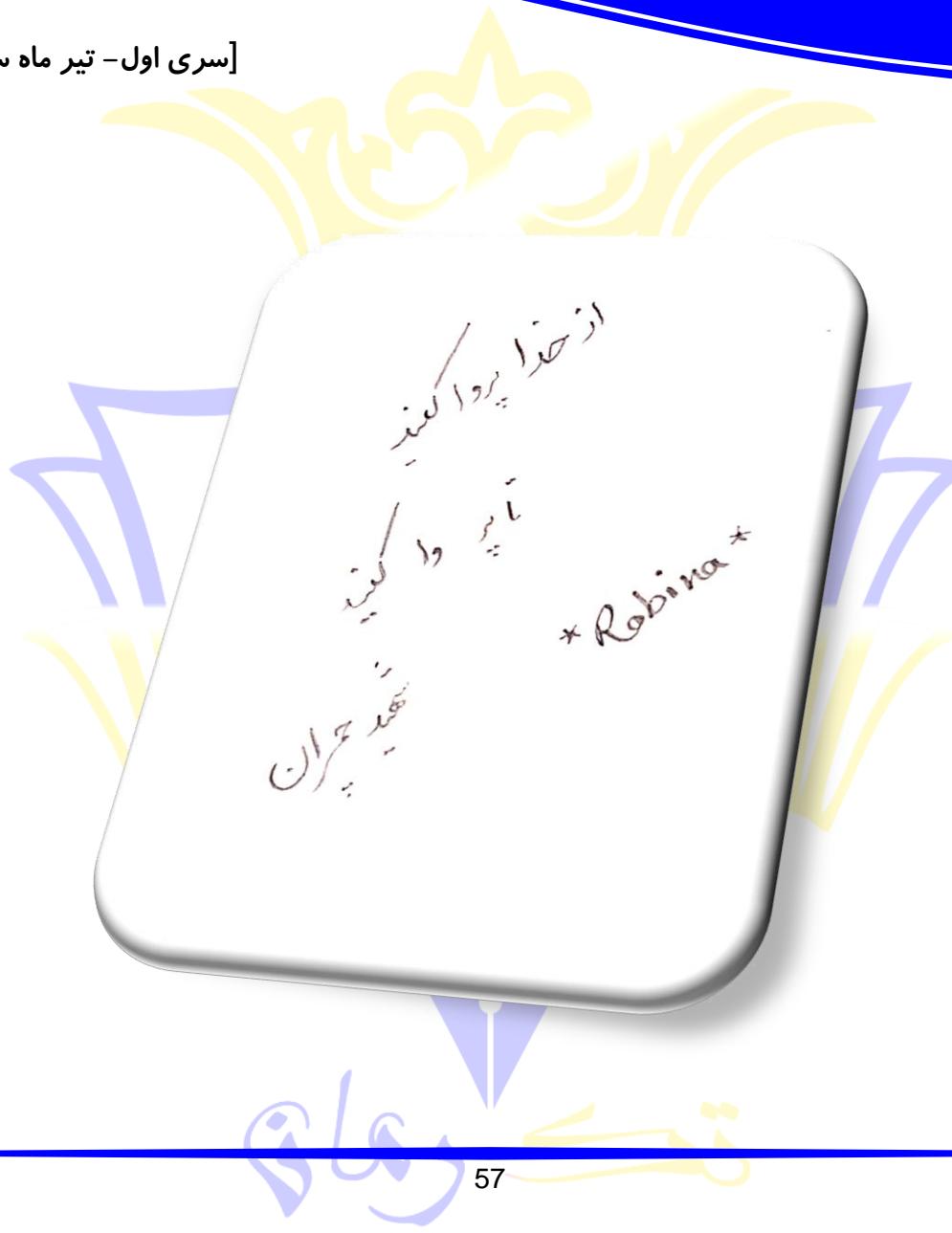
خطاطی منحصر به فرد خطاط

انجمن تک رهان

emlerad خانم

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



خوشنویسی خطاط انجمن

تک رمان

Robina خانم

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

دانستنی‌های تک رمانی

نویسنده: طلا=*

آیا می‌دانستید انجمن تک رمان قبل از وجود داشته؟

مدت‌ها پیش و قبل از به وجود آمدن انجمن‌های رمان‌نویسی حاضر، سایت و انجمنی به نام تک‌رمان توسط فاطمه تاجیکی عزیز تاسیس شده بود و حالا ما باز دیگر شاهد درخشش تک‌رمان هستیم.

آیا می‌دانستید موسس و مدیریت کل سایت و انجمن تک‌رمان، خالق چند رمان مشهور و محبوب دنیای مجازیه؟

فاطمه تاجیکی نویسنده رمان‌های کامل شده - هورزاد ملکه اتش. - جادوگران رانده شده. - استراتگوس مرگ. و رمان‌های در حال تایپ -شلیک آزاد. - سلطنت آرتونوس. - جهان تو.

آیا می‌دانستید تک‌رمان تنها سایت و انجمن رمان‌نویسی است که برای اولین بار دارای لوگو تخصصی با سبک ترکیبی و متحرک شد؟

لوگو تک‌رمان در تاریخ ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۹۸ توسط طراح گرافیک، فاطمه انصاری طراحی و رونمایی شد.

مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

آیا می‌دانستید جوان‌ترین عضو کادر مدیریت تکرمان ۱۳ سال داشت که به مقام معاونت منصوب شد؟

تکرمان بدون در نظر گرفتن سن کاربران، با توجه به هوش، توانایی و پشتکاری که داشتن بهشون بها داده و هم‌اکنون شاهد موفقیت‌ش
هستیم.

آیا می‌دانستید زمانی که در گوگل عبارت انجمن رهان‌نویسی را جستجو می‌کنید، رتبه اول متعلق به انجمن تکرمان است؟

گل سر سبد که می‌گن یعنی این!

در این بخش به ذکر ۵ مورد از دانستنی‌های تکرمانی بسنده می‌کنیم و
شما می‌توانید در مجله‌ی ماه بعد تکرمان آدامه دانستنی‌ها را و دنبال کنید.

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

1 - هیچ وقت نمی‌توانی خودت رو قلقلک بدی و از خنده کف اتفاق ریسه ببری!

تو دوران قرنطینه‌ای و از شدت سینگلی و دوری از دوستانت در حال انقراض هستی؟

این یک موضوع کاملاً طبیعیه! (حداقل تو این شرایط)

بعد کلی فسفر سوزی می‌شینی به این فکر می‌کنی که چه خوب میشه اگه مثل عاشقای خوشبخت و یا اون دورانی که با دوستان خل بازی در می‌آوردین، کلی بخندی و از شدت خنده اشک بریزی و اصوات نامفهومی رو زمزمه کنی که یهو یه جرقه‌ای در مغز تکامل نیفتاده‌ت فوران می‌کنه و به این نتیجه می‌رسه که خودت شخصاً خودت رو قلقلک بدی و قاه قاه خنده کنی =*

اهم اهم... چکا... عسل... یاسمن یکی تون آب پاکی رو بهم بدین می‌خوام بریزمش رو دست این دوست عزیزمون.

همین الان یه پیام از مدیر تالار سرگرمی (آشوب_زهرا) به دستم رسیده که می‌گه:

"براساس مطالعات، مخچه قادر است محرك قلقلک خودی را از غير خودی تشخيص دهد. در اصل زمانی که خود را قلقلک می‌دهید احساس درونی موضوع را پیش بینی کرده و این پیش گویی در جهت خنثی نمودن قلقلک به پیش می‌رود به عبارت دیگر، مخچه که به مانیتورینگ حرکات فیزیکی می‌پردازد، از حرکت دست آگاه است. بهمین دلیل حس آن از پیش خنثی می‌گردد و به عنوان عاملی تهدیدکننده به حساب نمی‌آید."

2 . کاشف به عمل آمد که ۱۰ سیاره کپی برابر زمین وجود دارد!

می‌تونم حدس بزنم داری به چی فکر می‌کنی -

بذر از انگشت زیبای وسط شروع کنیم که تو خیالت به سمت کرونا و هر چی قرنطینه طوریه گرفتی و در نشیمن گاهت عروسی کوکب خانم به پاست! نه جانم سخت در اشتباہی. ۱۰ سیاره عین زمین وجود داره؟ خب داشته باشه! تو فقط می‌تونی فاصله بین اتاق‌ت با دست‌شویی و آشپرخونه رو سفر کنی و به تخت خواب گوگولیت پناه ببری! ولی خب شنیدی که می‌گن همیشه یه راهی هست؟ تو می‌تونی تلاش‌ت رو بکنی تا با موجودات فضایی ارتباط بگیری و خیلی که شانس بیاری یکی‌شون ناقص شده باشه و عاشقت بشه و بخاطرت تو این کرونایی ریسک کنه و بیاد زمین که چی؟ تو رو با خودش برباید و در حالی که لیست اون ۱۰ سیاره رو عین منوی رستوران تو دستت گرفتی، با ز*بون فضایی ازت پرسه ×!*%#@%^#:

که یعنی مثلاً عشقم تو دوست داری تو کدوم یکی از این سیاره‌ها زندگی عاشقانه اگوری پگوری مون رو آغاز بنماییم؟

ولی بذر این‌بار آب پاکی رو فرق سر مبارکت پیاده کنم که معلومه بدجوری روغن سوزونده =*/آخه نوگل نوشکفته‌ی خلقت بشری، زود اوMDی نخواه

زودم بری =*

وقتی آدمی زادش سمتت نمی‌یاد می‌خوای از ما بهترین بیاد به استقبالت؟ عیب نداره اینا همه تاثیرات قرنطینه‌س.

۱۵- تا اعتیاد عجیب داریم که بعضی هاشون شبیه به شوخی کرونایی می‌مونن*= ۳

اعتیاد به خوردن شیشه (شکستنی)، خاک و رنگ و گچ، صابون و مایع و قند یا کشیدن مو و پیرسینگ... هنوز برای برگ ریزان شدن زوده چون باید خدمت حضور شریفتون عارض شم که هیچ کدام شون نمی‌تونه به گرد پای اعتیاد به خواب و خوراک 48 ساعتی ما ایرانی‌ها تو قرنطینه برسه، خصوصاً وقتی که هر روز برای ساندویچ‌های کثیفی که از دست‌تون رفته سوگواری می‌کنیں و تو دل‌تون می‌گین شت تو این زندگی.

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

ترجمه کمیک

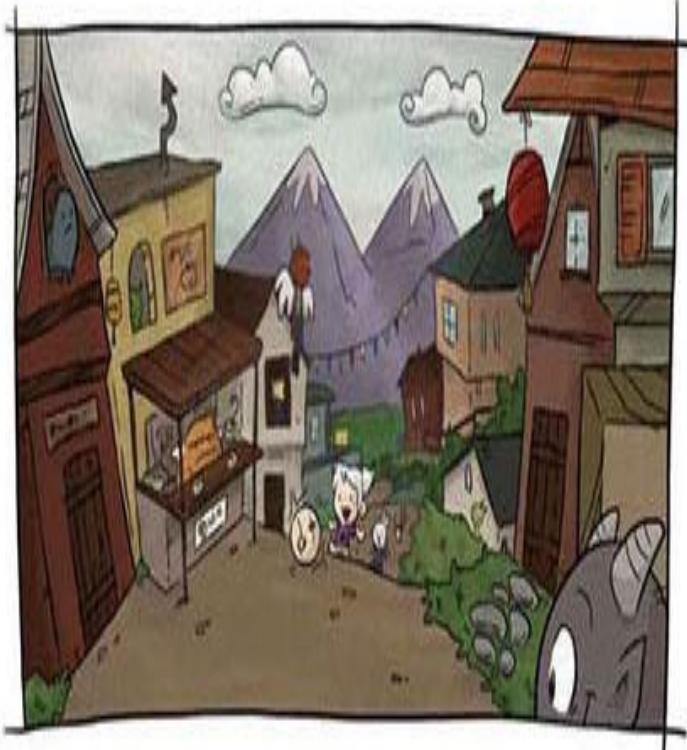
اختصاصی تک رمان

• نام اثر: چیز خاصی نیست

• مترجم: Nini Lin

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



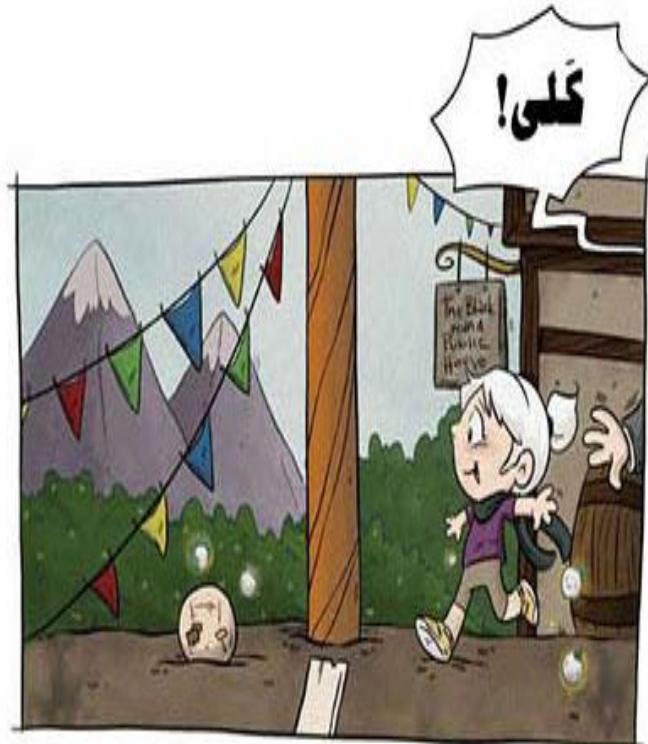
چیز خاصی نیست

آراییت: Katie Cook
نیتی: Nini Lin
متقدم

قسمت اول

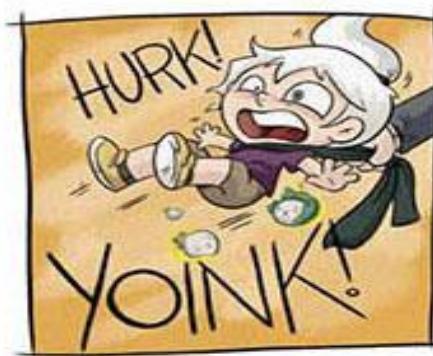
مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



مجله انجمن تک رهان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]

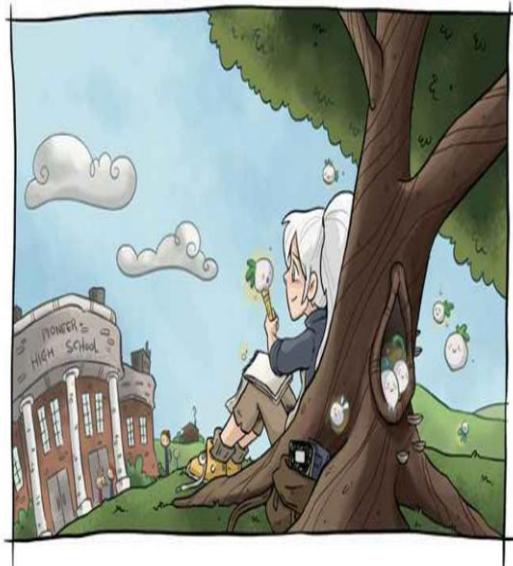


کلی،
شیرین عسلم،
چیکار داشتی می کردی؟



مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



چیز خاص نیست

آرتبیت: Katie Cook
نمایشگر: Nini Lin

قشرت دوم

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس دهه نودی]



[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

مجله ویروس ده نودی هم تموم شد ولی فراموش تون نشه؛ نکات مهم بهداشتی رو رعایت کنین و حسابی مراقب خودتون و عزیزان تون باشین تا انشاء الله همگی سالم و سلامت در کنار هم این دوران سخت رو بگذرانیم.

از اینکه با مجله ویروس ده نودی در کنار تیم مجله تک رهان بودیم، سپاسگزاریم

براتون بهترین‌ها رو آرزو می‌کنیم

یادتون نره ما رو با نظرات قشنگ تون حمایت کنین و بهمون انرژی بدین، یا علی.

نزن بیرون. هنوز یه صفحه مونده ! =*

تصویر شاخص دوم

مجله انجمن تک رمان

[سری اول- تیر ماه سال ۹۹- ویروس ده نودی]

